

# برخورد متفاوت با شهادت استاد عبدالعلی مزاری



علی پیام ✍

## چشم انداز بحث



بحثی که در این جا با شما شریک ساخته می‌شود، متفاوت‌تر سخن گفتن درباره شهادت استاد عبدالعلی مزاری رهبر حزب وحدت و یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های سیاسی معاصر افغانستان است. جان سخن من در این جا این است که هر سال که سالگرد شهادت وی فرا می‌رسد، ریتم و سیاق کار هواداران و طرفداران این رهبر سیاسی و اجتماعی یکسان است، بدون کمی تفاوت: فقط برگزاری مراسم سخنرانی و در فرجام آن روضه، مخته و سوگواری. پس بهتر است بیاییم از خود بپرسیم: این شکل از کار تا کدام افق‌ها را در می‌نوردد و چه گستره‌های ذهنی و روحی دیگر مردمان را درباره شناخت از این سیاست‌مدار و عمل منافی و مغایر گروه تروریستی طالبان با استانداردها و اسناد لازم الرعاية بین‌المللی را پوشش می‌دهد؟

چشم‌انداز مغایر با اسناد لازم‌الرعاية بین‌المللی و کنوانسیون‌های بین‌المللی است:

الف. ممنوع بودن کشتن اسیر در اسناد و استانداردهای بین‌المللی؛

ب. ممنوع بودن کشتن اسیر با شکنجه در اسناد و استانداردهای بین‌المللی.

### رویکرد نخست

- یکی از راه‌های متفاوت برخورد کردن با قضیه شهادت مزاری این است که شهادت وی را سند محکم و محکمه‌پسند مبنی بر محکومیت و ضدیت با گروه طالبان دانسته و انگهی با ادبیات حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه و حقوق

## ترسیم متفاوت برخورد کردن درباره شهادت استاد مزاری

استاد عبدالعلی مزاری به تاریخ بیست و دوم حوت ۱۳۷۳ در حالی که در اسارت گروه اسلامی طالبان قرار داشت با چند تن دیگر از همراهانش به دست گروه اسلامی طالبان یا امارت اسلامی طالبان به شهادت رسیدند. افزون بر این، این رهبر بزرگ سیاسی و اجتماعی بر اثر شکنجه، توهین، تخفیف، تحقیر به شهادت رسیده است که این شهادت اساساً مغایر و مباین با اسناد لازم‌الرعاية بین‌المللی و کنوانسیون‌ها به ویژه کنوانسیون ژنوا است؛ چون کشتن اسیر مغایر با روحیه اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی است. پس عملکرد گروه تروریستی طالبان از دو منظر و

جنگ سخن باید گفت نه تنها اکتفا کرد به چند برنامه سیاسی و رسمی و تشریفاتی که دایره مخاطبان آن از همان مردمی که دوستدار این رهبر سیاسی است بیشتر نباشد.

پس می‌توان به گونه بین‌المللی‌تر، رسمی‌تر، پویاتر، تأثیرگذارتر درباره استاد مزاری موضع گرفت و موضوع شهادت وی را سوژه قرار داد و با مستندسازی رویداد «جنایت جنگی» و «نقض حقوق بشری» از سوی گروه طالبان به مراجع رسمی بین‌المللی دادخواهی کرد و پرونده شهادت استاد مزاری را بر روی میز دیوان‌ها و مراجع رسمی دادرسی بین‌المللی گذاشت و خواستار محاکمه گروه جنایتکار طالبان شد تا هم سنگرهای سیاسی خود را محکم و مستحکم ساخت، هم باورهای خود را در گستره مرزهای بین‌المللی یافت و هم بدین وسیله چهره جنایتکارانه و سیاسی این گروه جنایتکار را سیاه‌تر کرد و موضع این گروه را در حالت ضعف قرار داد.

عصاره سخن در این بحث این است که استاد مزاری تنها یک جان یا یک نفس نبوده است؛ بلکه وی رهبر سیاسی بخش بزرگی از مردم بوده است که کشته شدن یا شهادتش، کشته شدن بخش بزرگی از مردم افغانستان است. افزون بر این، آنچه که عمل گروه طالبان مغایر با کنوانسیون‌ها و اسناد لازم‌الرعاية بین‌المللی است، قابل پیگیری با موضوعیت جنایت جنگی و جنایت ضد بشری نیز هست؛ زیرا «کشتن اسیر» آن هم «همراه با شکنجه، توهین، تخفیف، تحقیر» در اسناد بین‌المللی ممنوع قرار داده شده است. این مسئله نشان می‌دهد که گروه طالبان، نیروی شری است که حقوق بشردوستانه، حقوق بشر و ارزش‌های دموکراتیک را زیر پا گذاشته است، بایستی تمام مراجع بین‌المللی برای از بین برداشتن این غده سرطانی از روی زمین تصمیم‌های همگانی بگیرند.

آن‌گونه که کنوانسیون‌های بین‌المللی به‌ویژه کنوانسیون ژنوا می‌گوید: کشتن اسیر ممنوع است که هیچ، کشتن اسیر توأم با شکنجه، توهین، تخفیف، تحقیر و نقض کرامت انسانی نیز ممنوع است. این موضوع بر همگان هویدا است که گروه طالبان، استاد مزاری و شش نفر همراه وی و بیست و دو نفر دیگر را در میدان مبارزه نکشته است؛ بلکه خواه به هر شکلی بوده است، آنان در دست این گروه اسیر بوده‌اند. آنچه روشن است این است که کشتن اسیر، عمل یا کاری است مغایر با روحیه اسناد لازم‌الرعاية بین‌المللی و جای دادخواهی در پیشگاه دادرسی‌های بین‌المللی دارد.

شهادت استاد مزاری به گواهی عکس‌ها و اسنادی که

هم رسانه‌های داخلی هم رسانه‌های بین‌المللی آن را به نشر رسانده‌اند، با شکنجه، توهین، تحقیر و خاری انجام شده است که این شیوه شهادت یا کشتن اسیری که یکی از بزرگ‌ترین رهبران سیاسی امروز افغانستان است؛ شیوه به شهادت رساندن یا کشتاری که منابع رسانه‌ای می‌گوید: «دست و پای او در جریان شکنجه شکسته شده و به صورت و سینه‌اش ده‌ها مرمی شلیک شده است.» (اندیشمند، ۱۳۹۵). شهادت مزاری تنها کشته شدن یک فرد نیست؛ بلکه کشته شدن، توهین، تخفیف، تحقیر و نقض حقوق بشر و اهانت به بخش بزرگی از مردم افغانستان است.

### ممنوعیت قتل اسیر در اسناد بین‌المللی

برابر ماده سوم کنوانسیون یا قرارداد ژنوا راجع به معامله با اسیران جنگی که یکی از مقررات لازم‌الاجرا در زمینه حقوق اسیران است می‌گوید: «اعمال ذیل در مورد اشخاص در جنگ ممنوع اعلام شده است:

- الف. لطمه به حیات و تمامیت بدنی قتل من جمله قتل به تمام اشکال آن؛

- ب. زدن زخم، رفتار بی‌رحمانه، شکنجه و آزار؛

- ج. لطمه به حیثیت اشخاص من جمله تحقیر و تخفیف؛

- د. محکومیت و اعدام بدون حکم قبلی دادگاهی که صحیحاً تشکیل شده و جامع تضمینات قضایی که ملل متضمن ضرورت می‌دانند باشد.»

همین ممنوعیت در قرارداد ژنوا راجع به بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا نیز به همین شکل تصریح شده است. همچنین ماده سیزدهم کنوانسیون ژنوا مصوب ۱۹۴۹ تصریح می‌کند: «با اسیران جنگی باید در هر زمان با انسانیت رفتار شود. هر عمل یا غفلت غیرموجه از طرف دولت، بازداشتی که موجب فوت يك اسیر جنگی شود یا سلامت او را شدید در خطر اندازد، ممنوع است و در حکم تخلف مهم از این قرارداد شمرده خواهد شد. مخصوصاً هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان مورد جرح جسمانی یا آزمایش طبی یا علمی از هر قبیل که مجوز آن معالجه طبی اسیر مزبور نبوده و به نفع وی نباشد، قرار داد. همچنین اسیران جنگی باید در هر زمان بالاخص در مقابل هرگونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدید و در مقابل ناسزا و کنجکاوای مردم حمایت شوند.»

آن‌چه از نظر استاندردهای بین‌المللی ملاک است، رعایت حقوق اسیر در غیر از میدان‌های نبرد یا اسیران افراد ملکی است؛ اما همین استاندردهای بین‌المللی

اسیر را در دو بخش تقسیم‌بندی کرده است که عبارتند از الف. نظامی، ب. غیر نظامی. به هر روی، آن چه در مورد شهادت استاد مزاری از نظر دادخواهی مهم است این است که «بحث اسیران جنگی و حقوق و تکالیف آن‌ها نیز پس از فراز و نشیب‌های تاریخی در سال‌های ۱۹۰۷، ۱۹۲۷، ۱۹۴۷، ۱۹۴۹ و ۱۹۸۲ به صورت گسترده و با حضور اکثریت کشورهای دنیا تعریف، وظائف، حقوق و قوانین و مقررات ناظر بر اسیران جنگی تدوین و لازم‌الاجرا گردید.» که اکنون می‌توان بر پایه همین استانداردها به مراجع تصمیم‌گیر بین‌المللی و دخیل در قضایای نقض حقوق بشر فشار آورد که گروه تروریستی طالبان را در مورد شهادت استاد مزاری مورد دادخواهی قرار دهند.

پس تنها به رویکردهای صرفاً شهادت وی و مبارزات و مسائل سیاسی و فرهنگی و اجتماعی وی بسنده نکنیم؛ بلکه گاهی رویکرد ما در پرداخت و نوشتن‌ها این‌گونه باشد که اگر موضوعی را روی میز دیوان بین‌المللی لاهه بگذاریم، چند دادرس به آن نگاه کند یا ارزش پرداختن داشته باشد؛ یعنی موضوع فنی باشد نه تنها برخورد سانتی مانتالی. از سوی دیگر به این نکته نیز توجه باشیم که تنها برخورد سانتی مانتالی درباره عمل جنایتکارانه گروه اسلامی طالبان برای خود ما همواره «تحصیل حاصل» نیز هست.

پس پیشنهاد ما این نیز می‌تواند باشد که گاهی با زبان بین‌المللی نیز سخن بگوییم، وگرنه خود ما برای خود هر چه رنگین و خیالی سخن بزنیم، صدای ما به جایی نخواهد رسید. یا هرگاه کسی عبدالعلی مزاری را استاد نگوید او را دشمن می‌پنداریم و خلاصه تنها خود ما شنونده خواهیم بود. بد نیست همین جا یک پرسش را مطرح کنم این که در این بیست و چهارمین سال برای برنده شدن در میدان مبارزه با گروه تروریستی طالبان با این همه کنفرانس و میزگرد، آیا پرونده قضایی استاد مزاری را روی میز چند نهاد معتبر و تأثیرگذار بین‌المللی گذاشته‌ایم؟ آیا تمام فعالیت‌های ما در سالگرد، تنها از مرزهای شیون و مخته بیرون شده است؟ در حالی که درست این است که ما به

”

پیشنهاد من این است که دوره و فصل شیون برای هر چیزی را نقطه پایان بگذاریم و گستره‌های گسترده‌ای را در ورای مرزهای سیاسی و جغرافیایی بجوییم و هم باورها و هم پیمان‌های سیاسی خود را در سطح بین‌الملل جست‌وجو کنیم و از این طریق می‌توان به همان اهداف سیاسی که به آن «لابی» می‌گویند برسیم.

“

ظرفیتی رسیده باشیم که در درون و بیرون از دایره‌ها گام برداریم و تنها خود ما مخاطب خود نباشیم. پرسش دیگر این است که آیا تنها احساساتی برخورد کردن با قضایا کاری را از از پیش می‌برد؟ مسلماً جواب منفی است. روی همین است که اگر فعالیت‌های خود را در آینه استانداردها بگذاریم، ما همواره در کلاف خود می‌پیچیم. در حالی که برای رهبر اجتماعی و سیاسی همانند مزاری نه سند اسیر جنگی موجود است که به دست طالبان به خشونت، تحقیر، تخفیف و توهین کشته شد و نه سندی در مراجعی که بتوان با پشتوانه آنان سنگر سیاسی و بین‌المللی خود را محکم کنیم، ارائه کرده‌ایم.

پیشنهاد من این است که دوره و فصل شیون برای هر چیزی را نقطه پایان بگذاریم و گستره‌های گسترده‌ای را در ورای مرزهای سیاسی و جغرافیایی بجوییم و هم باورها و هم پیمان‌های سیاسی خود را در سطح بین‌الملل جست‌وجو کنیم و از این طریق می‌توان به همان اهداف سیاسی که به آن «لابی» می‌گویند برسیم.

حال برای این که بتوانیم برای مبارزه در برابر گروه ناقض حقوق بشر مستندسازی کنیم و سنگرهای بین‌المللی خود را محکم کنیم، از نظر فنی برای مستندسازی شهادت استاد مزاری، مراجع رسیدگی‌کننده عبارتند از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، نماینده معتمد اسیران و سازمان‌های بین‌المللی انسانی و بشر دوستانه با بهره‌گیری از قوانین، مقررات، کنوانسیون‌ها و حمایت‌های دیوان کیفری بین‌المللی و صلیب سرخ جهانی نسبت به ایفاد حقوق اسیران جنگی اعم از زمان اسارت، زمان آزادی و حتی بعد از آزادی که هر کدام شرایط خاص خود را دارند، اقدام شود و به گفته یکی از حقوقدانان باید دانست که «حمایت بین‌المللی از اسیران جنگی و قدرت حامی کیست؟ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سازمان‌های بین‌المللی انسان دوستانه» (ضیایی بیگدلی، بی‌تا) است که هریک از آنان می‌توانند در تضعیف جایگاه‌های سیاسی در سطح جهانی کمک شوند و همچنان بستر دادخواهی شهادت مزاری نیز پررنگ‌تر گردد.

خلاصه این که جامعه و رهبر بزرگی چون مزاری را از لاک احساسات‌گرایی با برپایی مراسم برای سالگرد و گرفتن چند روزه‌خوانی باید رها کنید و گستره‌ها را باید پیمود و بعد جنایت ضد بشری و جنایت جنگی و نقض حقوق بشری موضوع را برجسته کرد؛ مثلاً اعلامیه بروکسل ۱۸۷۴، فصل دوم مقررات لاهه منضم به عهدنامه چهارم مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷، عهدنامه ژنو مورخ ۲۷ جون ۱۹۲۹ در زمینه بهبود سرنوشت اسیران جنگی، عهدنامه سوم ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در مورد رفتار با اسیران جنگی، پروتکل‌های مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۷۷ الحاقی به عهدنامه‌های چهارگانه ۱۸۴۹ ژنو، پروتکل شماره یک در مورد حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و پروتکل شماره دو در مورد حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی و... از جمله استناددها و معیارهای جهانی است که مکانیسم قوی و محکمی برای پایداری سنگر عدالت‌خواهی عبدالعلی مزاری است، بگذاریم که در این اسناد واژه استاد به کار برده نشود؛ بلکه به جایش متن قوی و محکمه پسند و عقلاً پسند تهیه شود.

بررسی پرونده استاد مزاری از منظر حقوق بشردوستانه نگاه غیر احساساتی و سانتی‌مانتالی است که می‌تواند به ما کمک کند تا معیاری تر بیندیشیم و جهانی‌تر نگاه کنیم. بعد مهم قضیه شهادت مزاری موضوع نقض «کرامت انسانی» از سوی گروه تروریستی طالبان است. نقض کرامت انسانی مال هیچ کس ویژه یا مال هیچ مردم ویژه نیست؛ بلکه از آن تمام مردم جهان است. پس نقض کرامت انسانی یعنی نقض کرامت تمام انسان‌های روی زمین. بنابراین، برخورد با نقض کرامت انسانی با رویه سانتی‌مانتالی نمی‌شود؛ بلکه باید با ابزار علمی و افزار درست به پیش رفت.

## رویکرد دوم

دومین برخوردی که سزاوار مرد سیاست‌مدار و سترگی چون استاد مزاری است، افزون بر دوری کردن از سانتی‌مانتالی موضوع، از مستبدانه برخورد کردن و ایجاد فضای استبدادی نیز بپرهیزیم. بیاییم کمی بازتر نیز نگاه کنیم. مثلاً دشمنی با رهبران سیاسی همانند استاد مزاری تنها عملکرد گروه اسلامی طالبان نیست؛ بلکه دوستان همانند خاله خرس نیز هستند که مصداق همان داستان «خاله خرس» است که از روی دوستی برای پراندن مگس از روی دوست آدمی خود یک گاوسنگ را برداشت و به روی دوست آدمی خود زد و روی دوست

خود را با خاک یکسان کرد. این سخن را برای این می‌گوییم که بیاییم از مرزهای احساسات و ایدئولوژیک‌گرایی و روزه‌خوانی برای خود برابیم؛ بلکه گام‌های خود را استاندرد پسند برداریم. بنابراین، گاهی لازم است تا روش سیاسی استاد مزاری در ترازوی نقد بررسی شود تا نشود استاد مزاری تنها چهره مقدسی پیدا کند که هیچگاهی پژوهشگران نتوانند سراغش را بگیرند، وانگهی استاد مزاری در جنبه تقدس و تدین و احساسات اسیر بماند و این بار نیز به گونه دیگر شهید شود. این، خیانت به استاد مزاری، خیانت به مردم افغانستان و به هم‌تباران استاد مزاری است. قرار نیست که عبدالعلی مزاری چهره مقدس دینی و الهی شود که کسی درباره‌اش نتواند سخن بگوید. این، دوستی نیست؛ بلکه دوستی خاله خرس است.

نسل فردای ما نسل صرفاً تحسین‌گر یا نسل روزه گوش‌گر نباید باشد. بهتر است که افزون بر این که شهادت این رهبر بزرگ سیاسی از منظر حقوق بشردوستانه و اسناد بین‌المللی از پیشینه سیاسی استاد مزاری بررسی می‌گردد، نگاه کارشناسانه به جریان جهاد و برخورد کارشناسانه به تعامل نکردن آن شهید با حکومت حزب دموکراتیک وقت و فرصت‌هایی که در دوره جهاد در همسویی با حکومت وقت و گیره بوده است نیز سخن بگوییم. این را باید دانست که استبداد در سرشت خود کار درستی نیست؛ همین که در هر چیزی مطلق‌گرایی می‌کنیم، خودش استبداد است.

به هر روی امیدوارم که افزون بر کارهایی که در سال‌های گذشته درباره استاد مزاری گفته شده است و نوشته شده است، کمی هم با ادبیاتی بنویسیم تا بتوان مستندات را در روی میز مراجع رسمی بین‌المللی گذاشت تا هم دادخواهی کرد هم سنگرهای سیاسی و بین‌المللی خود را علیه گروه تروریستی اسلامی طالبان محکم و مستحکم کرد.

## منابع:

۱. اندیشمند، محمد اکرم (۱۳۹۵). وبسایت جاویدان، نوای آزادی. تاریخ دسترسی ۱۸ دلو ۱۳۹۷.
۲. حقوق اسرای جنگی در اسناد بین‌المللی.
۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (بی‌تا). حقوق جنگ و رفتار با اسیران جنگی. مجله حقوقی. ش ۸.
۴. قرارداد ژنو راجع به بهبود سرنوشت مجرمین و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا، مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹.
۵. قرارداد ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی، مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹.